

پسر کو ندارد نشان از پدر تو بیگانه خوانش، نخوانش پسر

طوری که هموطنان ناظر اند، بعد از سقوط کابل و بقیه ولایات بدست طالبان، پسر احمد شاه مسعود که بیشترین سالهای عمر را در ایران و انگلستان به حمایت دستگاه های استخباراتی آن کشور ها سپری نموده است، دفعتاً برای مبارزه «؟!» با طالبان و «نجات کشور» مثل پدر مرحوم که با اسم «مقاومت» بر علیه این گروه در گوشه دور افتاده ای چون «خواجه بهاءالدین» پناه گرفته بود، منحیث یک بازیگر جدید به صحنه داخل میگردد.



«احمد مسعود» جمعیتی را به پنجشیر

برای پلان «مقاومت» بر علیه طالبان فرا خوانده و ادعا می نماید که پلان مذاکره با آنان را دارد و اگر مورد حمله قرار گیرند، آمادگی محاربه را هم البته که دارد. وی اصرار دارد که «مقاومت» وی برای همه نقاط افغانستان است. پناه بر خدا!

از قضا ویدیویی هم ازین جریان در فیس بوک نشر شده بود که هموطنی پرسیده بود که آیا این شخص نورمال است که چنین میکند؟ اینک جواب این جانب با ادامه بحث:

نخیر این شخص نورمال نیست. آنچه وی ادعا میدارد ضد حقایقیست که ۲۵ سال قبل به حکم تاریخ روی داده است. بعد از شکست خفتبار اتحاد شوروی که به همت مجاهدین برحق افغانستان روی داد، تنظیم های تربیت یافته مقامات جاسوسی پاکستان و ایران به خاک افغانستان و شهر کابل هجوم آوردند و در حالی که برهان الدین ربانی با تکیه به حمید گل پاکستانی به مناطق ارگ و قسمتی از شهر کابل حکمروایی داشت، جنایات نهایت مدهش بشری بر اهالی مظلوم پایتخت از جانب همه

گروه های دهشت افکن تنظیمی، علی الخصوص « مسعود و حکمتیار » تعمیل گردید و شهر به خاکدان ویرانی مبدل شد. منجمله جنایت و «قتل عام افشار» به قومندانی مسعود و همکاری سیاف منجر به کشتار بیشتر از ۵۰۰۰ بیگناه و فامیل های شان در نیمه شب سرد ماه فروری ۱۹۹۳ رخ داد که ثبت تاریخ گردید.

در سال ۱۹۹۶ همین طالبان دست پرورده مکاتب دیوبندی پاکستان به افغانستان هجوم آوردند و مورد استقبال ربانی واقع شدند ولی بزودی «بدون کوچکترین مقاومت» اعضای دولت به شمول مسعود وزیر دفاع و بقیه تنظیم های چپاولگر و افغان ستیز، پای برهنه به فرار روی آوردند و جمعیت - شورای نظار که در رأس دولت بودند، نه تنها «مقاومت» نکردند، بلکه به دور ترین نقطه شمال شرق کشور یعنی خواجه بهاءالدین متواری و فراری شدند. حال دیده میشود که بازهم کشور در اشغال همان گروپ وابسته به پاکستان سخیف تصرف شده است ولی این خود پرست ها و ملت ستیز ها هنوز از فریب مردم افغانستان دست بردار نمی شوند و درین مرحله حساس تاریخ مردم افغانستان و آینده نهایت تاریک آنان، از آب گل آلود ماهی گرفته و در صدد قهرمان سازی های پوشالی اند. این ها به پیروی از امر و پیشوای خویش مسعود، هنوز گمان میبرند که با روس ها بازهم پروتوکول های خفتبار «خنجان و جبل سراج» را زیر پرده امضاء مینمایند. مردم افغانستان که این ها را خوب می شناسند، این تبلیغات میان خالی را هرگز باور نکرده اند و نمیکند.

احمد مسعود فرزند ناخلفی که بعد از قتل پدر ذریعه دسیسه گروه و دسته خودش، به دامان دستگاه جاسوسی «واواک» ایران پرورش یافت و بعداً چون احمد شاه مسعود به تشکیل استخباراتی دیگری که عبارت از «ام آی ۶» باشد در انگلستان پناه برده است، امروز به منزله آهن سرد کوبیدن، مردم بیگناه و سطحی نگری را جمع نموده و اسم این هایت و هویت بیحاصل را «مقاومت» گذاشته است. طالبان که تا دروازه های پنجشیر فاصله ای ندارند و اگر با مذاکره «!؟» به کدام موافقه نرسند و جنگ صورت گیرد و منجر به خونریزی شود، مطمئناً که این قهرمان پوشالی، با هیلیکوپتری آماده پرواز به تاجکستان، فرار نموده و مردم نهایت بیگناه و احساساتی را به دست طالبان میسپارد. درین زمینه دستگاه های استخباراتی فرانسه و اسرائیل که باعث چنین قهرمانسازی و بلوا بوده اند، همچنان که غیر مسئولانه سر غوندی خیر می نشینند. الله اکبر!

حال میرویم به سراغ سطور مختصر و مثل همیشه تکیه بر حقیقت محترم «رمضان بشر دوست» که در فیس بوک ایشان به مناسبت این قهرمان سازی ها و ادعای «ولی مسعود» تاجر بزرگ زمرد - سرمایه ملی، منتشر گردیده است. همان ولی مسعود و برادرش که مانند بقیه سران خیانت پیشه

تنظیمی، فردای سقوط کابل بدست طالبان، به دستبوسی وزیر خارجهٔ پاکستان و تمديد اطاعت از بادران قدیم به اسلام آباد رفته و تصویری خفتبار و شرم آور برای تاریخ به یادگار گذاشته اند:

وزیر خارجه پاکستان با چهره‌های سیاسی افغان دیدار کرد

۲۵ اسد ۱۴۰۰ - ۱۶ اگست ۲۰۲۱



شاه محمود قریشی، وزیر امور خارجه پاکستان از دیدار با نمایندگان برخی رهبران سیاسی افغانستان به رهبری محمد یونس قانونی خیر داده است.

بشردوست در صفحهٔ فیس بوک چنین مینویسد: رمضان بشردوست خطاب به ولی مسعود!
«سخنان مضحک احمد ولی مسعود توجه ام را جلب کرد. وی میگوید که «اگر جهاد و مقاومت ما نمی بود، حال افغانستان صوبه پنجم پاکستان بود.
آقای مسعود!

۱- در سالهای ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ کیها به پاکستان پناه بُرده به امر پاکستان علیه داودخان در لغمان، پنجشیر، ارگون و نقاط دیگر شورش نمودند؟

۲- احزاب افراطی مشمول حزب جمعیت اسلامی در کجا و از سوی کیها تأسیس گردید؟

۳- به فرمان کیها تحت نام «اسلام در خطر است» تفنگ برداشته کشور را به به مخروبه مبدل نمودید؟

۴- جنرال ضیاالحق بخاطر دفاع از پاکستان چی کسانی را حمایت و از کیها تشکری میکرد؟

۵- کنفرانس «جهاد افغانستان دفاع پاکستان» در کجا و با اشتراک کیها برگزار گردید؟

۶- اردوی پاکستان با حمایت مستقیم کیها بر شهر جلال آباد حمله نمود؟

۷- مگر برهان الدین ربانی بست مشاوریت را به جنرال حمید گل پیشنهاد نکرد؟

- ۸- اطلاعات و اسناد محرم امنیت دولتی را کیهها به ای ایس ای تسلیم کرد؟
- ۹- فرمان منحل ساختن اردوی منظم و سرتاپا مجهز کشور از سوی کی ها تطبیق شد؟
- ۱۰- کدام گروپ و حزب با شوروی پروتوکول امضاء نموده بود؟
- ۱۱- امنیت کاروان قطعات نظامی شوروی در مسیر راه سالنگ از سوی کی و کدام گروپ تأمین میشد؟
- ۱۲- چی کسی برای گرفتن قدرت دست گذاری به شوروی دراز کرد؟
و اینگونه صدها ها مورد.

پایان

Dawatmedia۲۴.com